

فرمان الله سبحانه وتعالى نافذ و تخلفناپذیر است!

(ترجمه)

الله سبحانه وتعالى می‌فرماید:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۚ إِنَّا رَأَوُوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِّنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [قصص: 7]

ترجمه: ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن و ترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم!

این آیهی کریمه، صحنه‌ای درخشان از داستان پرشکوه حضرت موسی علیه‌السلام را در خود جای داده است. به تعبیر شیخ شعراوی رحمه‌الله علیه، این داستان بزرگ‌ترین روایت در قرآن کریم است. چرا که قرآن همواره ما را به یاد آن می‌اندازد؛ زیرا در دل آن، ستیز با فاسدترین انسان تاریخ، یعنی فرعون و نیز ماجراهای بنی‌اسرائیل نهفته است؛ قومی که پیامبران را به قتل رساندند، گوساله را پرستیدند و بارها کوشیدند انبیای الهی را عاجز سازند.

وحی الله سبحانه وتعالى به مادر موسی یا از نوع الهام قلبی بود، چنان‌که طبری از قتاده نقل کرده که فرمود: «ما در دل او افکندیم» و یا از نوع اعلام غیبی، آن‌گونه که قرطبی از مقاتل نقل کرده است که گفت: «جبرئیل این پیام را به او رساند». در هر حال، تمامی مفسران اتفاق نظر دارند که مادر موسی پیامبر نبود و این وحی از نوع رسالت نبوده است.

بنابر روایتی از سدی، که طبری آن را نقل کرده، زمینه‌ی این وحی چنین بود: فرعون فرمان داده بود که نوزادان پسر بنی‌اسرائیل را یک سال بکشند و سال دیگر رها کنند. موسی علیه‌السلام در سال قتل متولد شد و زمانی که مادرش باردار بود و زمان زایمان نزدیک شد، اندوه و ترس سراسر وجودش را فرا گرفت. همان‌جا بود که وحی الهی به او رسید: «او را شیر بده و چون بر جانش ترسیدی، او را به رود بسپار.» در این آیهی مبارکه، عناصر معنایی و الهی بسیاری نهفته است:

• دو خبر بزرگ:

1. به مادر موسی وحی کردیم؛
2. اگر بر او ترسیدی؛ یعنی که الله سبحانه وتعالى از ترس او آگاه بود.

• دو فرمان قاطع:

1. او را شیر بده.
2. او را به دریا بیفکن.

• دو نهی آرامش‌بخش:

1. مترس.
2. اندوهگین مباش.

• و دو بشارت امیدآفرین:

1. ما او را به تو باز می‌گردانیم.
2. و از فرستادگان خود قرار خواهیم داد.

این آیه، تصویری است از ایمان ناب، توکل مطلق و فرمانی الهی که در دل تاریکی‌های ظلم، نوید نجات و رسالت را در خود دارد. این چنین است که فرمان الله سبحانه وتعالى نافذ است؛ بی‌هیچ تردید، بی‌هیچ تخلف.

در این معانی، عظمت بی‌کران الله عزّ وجلّ و تدبیر شگفت‌انگیز او و حکمت بی‌نهایتش به وضوح تجلّی می‌یابد. زیرا مردم معمولاً در مراقبت و محافظت از آنچه بر آن بیمناک‌اند، نهایت اهتمام را به خرج می‌دهند. خواننده گرامی می‌تواند تصور کند که اگر کسی بر فرزندش ترس داشته باشد، چگونه ممکن است به او گفته شود: «او را در دریا بیفکن!» اما این فرمان از سوی کسی صادر شده که خالق آسمان‌ها و زمین‌ها و هر آنچه است که در آن‌هاست؛ خالق علل و اسباب و قادر است هرچه را بخواهد محقق سازد. بنابراین، ابتدا به مادر موسی فرمان داده شده که او را شیر دهد و این خود حکمت ژرفی دارد که نتایج آن در همان سوره به وضوح بیان شده است:

«و پیش‌تر شیر دیگران را بر او حرام کردیم»، یعنی جز شیر مادرش را قبول نمی‌کرد تا زمینه‌ی ورود خواهرش به ماجرا فراهم شود و به آن‌ها پیشنهاد دهد که او را به خانواده‌ای بسپارند که از او مراقبت کنند. بدین ترتیب، الله سبحانه و تعالی موسی را به مادرش بازگرداند و بشارت نخست تحقق یافت: پس «نه ترس داشته باش و نه اندوهگین شو.»

فرمان دوم به مادر موسی پس از شیر دادن و در صورت بیم بر جان فرزندش بود که او را در دریا بیفکند. ابن عاشور در تفسیر خود می‌گوید:

«یَم در زبان عرب معادل بحر است، و بحر در گویش آنان به آب فراوان و شور گفته می‌شود. حتی رودهای عظیم را نیز بحر می‌نامند.»

او اشاره می‌کند به آیه‌ی:

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۚ﴾ [فاطر: ۱۲]

ترجمه: دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر.

پس منظور از «یَم» در اینجا رود بزرگ نیل است. این کودکان در تابوتی به آب سپرده شدند، چنانکه در آیات سوره طه چنین آمده است:

﴿إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ (۳۸) أَنْ أَذْفِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَذْفِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَهُ ۚ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي﴾ [طه: ۳۸-۳۹]

ترجمه: آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود وحی کردیم... که او را در (تابوت) صندوقی بیفکن و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند و دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد! و من محبتی از خودم بر تو افکنم، تا در برابر دیدگان [= علم] من، ساخته شوی (و پرورش یابی)!

هدف از این فرمان این بود که کودک به کاخ فرعون برسد و نزد او باشد تا از قتل نجات یابد، چرا که زن فرعون به شدت اصرار داشت:

﴿وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [قصص: 9]

ترجمه: همسر فرعون (چون دید آن‌ها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: نور چشم من و تو خواهد شد! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم! و آن‌ها نمی‌فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می‌پرورانند)!

زیرا الله سبحانه و تعالی محبت او را در دل زن فرعون افکند:

﴿وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي﴾ [طه: ۳۹]

ترجمه: و من بر تو محبتی افکنم.

هرچند این امر چالشی برای فرعون بود، اما قدرت و حکمت الله سبحانه تعالی بر همه چیز فائق است و این که الله سبحانه و تعالی به مادر موسی دستور داد که نه بترسد و نه غمگین شود. ابن عاشور درباره ی ترس و غم چنین می گوید: «ترس یعنی انتظار وقوع امر ناخوشایند و غم حالتی روانی است که از واقعه ای ناخوشایند ناشی می شود، مانند از دست دادن چیزی محبوب یا دوری از آن.» و معنای آیه این چنین است: «بر هلاکت فرزند خود از افتادن در دریا مترس، و بر جدایی او اندوهگین مباش.»

الله عزّ وجلّ از حال مادر آگاه بود، از نگرانی ها و اضطراب هایش و با قدرت مطلقش، آنچه را می خواست تحقق بخشید. او بود که موسی را از دل مادرش ساخت و نگه داشت، و او را برای خود برگزید، از این رو دل مادر را آرام کرد تا از مؤمنان باشد:

﴿وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۚ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [قصص: ۱۰]

ترجمه: (سرانجام) قلب مادر موسی از همه چیز (جز یاد فرزندش) تهی گشت؛ و اگر دل او را (بوسیله ایمان و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند!

بنابراین نهی از ترس و غم، نهی از علت های آن یعنی انتظار بلا و اندیشه ی جدایی است، چنان که ابن عاشور بیان کرده است.

ختم آیه حاوی دو بشارت است:

﴿إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [قصص: 7]

ترجمه: که ما او را به تو باز می گردانیم، و او را از رسولان قرار می دهیم!

ابو حفص النسفی در کتاب خود «التیسیر فی التفسیر» چنین می گوید: «یعنی من او را سالم و سلامت به نزد تو باز می گردانم و به مرتبه ای می رسانم که صلاحیت رسالت داشته باشد، پس او را رسولی به سوی فرعون و قومش قرار می دهم تا رئیس آنان شود، و اگر فرمان او را نپذیرند، نابودشان خواهم کرد.»

ابن عاشور درباره جمله ی ﴿إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ﴾ می گوید که این جمله در مقام دلیل برای نهی از خوف و حزن آمده است، زیرا تضمین بازگرداندن سالم او به مادرش به این معناست که او هلاک نخواهد شد و مادر نیز دلتنگی ناشی از طولانی شدن جدایی نخواهد داشت. اما درباره جمله ی ﴿وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ باید گفت که این بشارتی است به مادر موسی که شادی و مسرتی عظیم برای او به همراه دارد.

از حکمت های شگفت تدبیر الهی، که آیه ی کریمه آن را آشکار می سازد، این است که موسی علیه السلام در دربار فرعون، کسی که می خواست او را به قتل برساند، پرورش یافت. این همان کسی است که پایان حکومتش به دست موسی رقم خواهد خورد. علم و عزم فرعون بر کشتن موسی در گفته ی زن او کاملاً آشکار است، چنان چه در ذیل چنین آمده است:

﴿وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [قصص: 9]

ترجمه: همسر فرعون (چون دید آن ها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: نور چشم من و تو خواهد شد! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را به عنوان پسر خود برگزینیم! و آن ها نمی فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می پروراند)!

پس قدرت الله را بنگرید که چگونه موسی را حفظ کرد و مانع از قتل او توسط فرعون شد!

این آیه و دیگر آیات داستان در جایگاه‌های مختلف به روشنی نشان می‌دهد که امر الله سبحانه و تعالی نافذ و غیرقابل ممانعت است. تنها وظیفه بندگان آن است که به طور کامل بر الله سبحانه و تعالی توکل کنند، چنانکه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۚ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [طلاق: 3]
ترجمه: و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر الله توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ الله فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و الله برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!

امر او سبحانه و تعالی قطعاً محقق می‌شود:

﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [بقره: 117]
ترجمه: هستی بخش آسمان‌ها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید: موجود باش! و آن، فوری موجود می‌شود.

در پایان، این داستان‌های قرآن برای صاحبان عقل و تدبر عبرت و پند است، زیرا الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ﴾ [یوسف: 111]

ترجمه: در سرگذشت آن‌ها درس عبرتی برای صاحبان خرد هست!

این آیات اطمینان‌بخش دل‌های مؤمنان است که همراهی الله سبحانه و تعالی با آنان قطعی است و پیروزی‌شان نزدیک و بی‌شک خواهد بود؛ پس بر مؤمنان لازم است که در عمل نیکو کوشا باشند و به بهترین وجه بر الله سبحانه و تعالی توکل نمایند.

برگرفته از شماره 465 مجله الوعی چاب شوال 1446 ه.ق.

نویسنده: محمد خلیفه

مترجم: محمد مطمئن